

«تأملي بر اهداف و سياست‌هاي چشم‌انداز ۲۰ ساله در راستاي ارتقاء سرمایه اجتماعي»

* مينا اصفهاني
** دكتور اسماعيل كاوسي

چکیده:

با توجه به اهمیت روزافزون برنامه‌ریزی استراتژیک در عرصه مدیریت و نظر به توجه ویژه مدیران و دست‌اندرکاران اداره امور کشورها به نقش سرمایه اجتماعی در توسعه، این مقاله در صدد بررسی ارتباط میان این دو مقوله می‌باشد.

در راستای رسیدن به این مهم نخست به تأثیر مدیریت استراتژیک و لزوم تدوین برنامه‌های بلندمدت برای اداره امور کشور اشاره نموده و سپس پاره‌ای از ویژگی‌های سند چشم‌انداز که در راستای اهمیت ارتقاء سرمایه اجتماعی می‌باشد مطرح و در ادامه مفهوم سرمایه اجتماعی و ابعاد چهارگانه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن توصیف می‌گردد.

از آنجا که کلیه ارکان نظام موظف به پیروی از سیاست‌های برنامه چهارم توسعه و اهداف کلی چشم‌انداز بیست ساله می‌باشند، سیاست‌هایی را که در چهار بعد فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در راستای ارتقاء سرمایه اجتماعی می‌باشند، معرفی و در ادامه ضمن تشریح مولفه‌ها و اجزاء

سرمایه اجتماعی در این چهار بعد به لزوم برنامه‌ریزی برای ارتقاء سرمایه اجتماعی، جهت تحقق

اهداف چشم‌انداز در سه سطح خرد، میانی و کلان اشاره می‌گردد.

در خاتمه ضمن توصیف برخی از مولفه‌های سرمایه اجتماعی نظیر مشارکت، اعتماد عمومی و ...

اهمیت آنها را در پیشبرد اهداف چشم‌انداز ذکر می‌گردد.

واژگان کلیدی: مدیریت استراتژیک، چشم‌انداز بیست ساله نظام، سیاست‌های کلی برنامه چهارم

توسعه، مولفه‌ها و سطوح سرمایه اجتماعی.

مقدمه

امروزه سازمان‌ها از شالوده‌های اصلی اجتماع کنونی هستند و مدیریت، مهم‌ترین عامل در حیات، رشد و بالندگی یا نابودی سازمان‌هاست. مدیر روند حرکت از «وضع موجود» به سوی «وضعیت مطلوب» را هدایت می‌کند و در هر لحظه، برای ایجاد آینده‌ای بهتر در تکاپوست.

در جهان کنونی توجه اکثر دانشمندان، مدیران و صاحب‌نظران علم مدیریت به رویکرد مدیریت استراتژیک می‌باشد. «مدیریت» مهم‌ترین مقدمه‌ای است که باید برای رشد و تعالی فرهنگی، اقتصادی، و سیاسی جامعه مورد توجه قرار گیرد و مدیریت استراتژیک نیز هنر و علم تدوین، اجرا و ارزیابی تصمیمات و وظیفه‌ای چندگانه است که سازمان را قادر می‌سازد به هدف‌های بلندمدت خود دست یابد. این شیوه مدیریت پویا، پیش‌نگر و آینده‌نگر است در این راستا مدیریت استراتژیک تغییر و تحولات آینده را پیش‌بینی نموده و راهبردهای لازم را ارائه می‌دهد لذا برای تحقق اهداف سند چشم‌انداز توجه به مدیریت استراتژیک ضروری است.

بنابراین رسالت مدیریت استراتژیک تعیین دکتترین، چشم‌انداز، استراتژی و اهداف بلند مدت است. از آنجا که مدیر استراتژیک به اصل بالندگی می‌اندیشد و همیشه در پی ارتقاء سطح توانمندی‌ها، اندیشه‌ها و فرصت‌های نو حرکت می‌کند، لذا تعیین اهداف بلندمدت در یک افق زمانی لازم و ضروری است.

از سوی دیگر برای این که مدیر استراتژیک بتواند خط‌مشی‌ها و سیاست‌های تعیین شده را به مرحله اجرا درآورده لازم است در سند چشم‌انداز که همانا اهداف آرمانی نظام می‌باشد، روشن شود که هدف ما چیست و به کجا می‌خواهیم برسیم؟

سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی با اتکال به قدرت لایزال الهی و در پرتو ایمان و عزم ملی و کوشش برنامه‌ریزی شده و مدبرانه‌ی جمعی و در مسیر تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی تهیه گردیده است. در این سند ایران کشوری است، توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل که دارای ویژگی‌ها و مقتضیات خاص خود می‌باشد ویژگی‌هایی که در این سند برای کشور ایران در نظر گرفته شده است بطور کلی در راستای ارتقای سرمایه اجتماعی می‌باشد که عبارتند از:

- توسعه یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود و ...
- برخورد از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه

اجتماعی در تولید ملی

- امن و مستقل و مقتدر با سامان دفاعی مبتنی بر بازاری‌داری همه جانبه و ...
- برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت، تأمین اجتماعی، نهاد مستحکم خانواده و ...

- فعال، مسئولیت‌پذیر، برخوردار از وجدان کاری و روحیه تعاون و متعهد به انقلاب و نظام

اسلامی

- دسته یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه
- الهام‌بخش، فعال و مؤثر در جهان اسلام با تحکیم الگوی مردم‌سالاری دینی و همگرایی اسلامی

و ...

- دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان براساس اصول عزت، حکمت و مصلحت (برگرفته از سند

چشم‌انداز)

در گذشته تاکید اصلی بر سرمایه‌های مادی و فیزیکی بوده اما امروزه در کنار سرمایه‌های انسانی مالی و اقتصادی، سرمایه دیگری بنام سرمایه اجتماعی مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. این مفهوم به پیوندها و ارتباطات میان اعضای یک شبکه به عنوان منبع با ارزش اشاره دارد که با خلق هنجارها و اعتماد متقابل موجب تحقق اهداف می‌شود. به عبارت دیگر سرمایه اجتماعی در پرتو ارتباطات متقابل باعث نزدیکی انسان‌ها به یکدیگر شده و همکاری را تسهیل می‌نماید.

سرمایه اجتماعی چیست؟

بر اساس اینکه از چه منظری به سرمایه اجتماعی نگریسته شود، تعاریف مختلفی برای سرمایه اجتماعی ارائه شده است: به نظر «رابرت پوتنام»^۱ سرمایه اجتماعی، «روابط بین افراد - شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای متقابل و اعتماد اجتماعی از این طریق حاصل می‌شود، می‌باشد».

از دیدگاه «رز»^۲ سرمایه اجتماعی وجود رسمی یا غیررسمی شبکه‌های اجتماعی است که اشخاص برای تولید یا خرید کالا و دریافت خدمات در سطح خرد از آن استفاده می‌کند. بر این اساس هدف شناساندن تعدادی از شبکه‌های رسمی و غیررسمی به همان نحو که تأثیر متقابل بین این دو دسته شبکه موجود است می‌باشد. «پیربورديو» نیز بین انواع سرمایه تمایز قائل می‌شود و از دیدگاه وی اشکال سرمایه عبارت از شکل اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی. از منظری سرمایه اجتماعی به ارتباطات و مشارکت اعضای یک سازمان توجه دارد و می‌تواند به عنوان ابزاری برای رسیدن به سرمایه‌های اقتصادی باشد (winter, 2000)

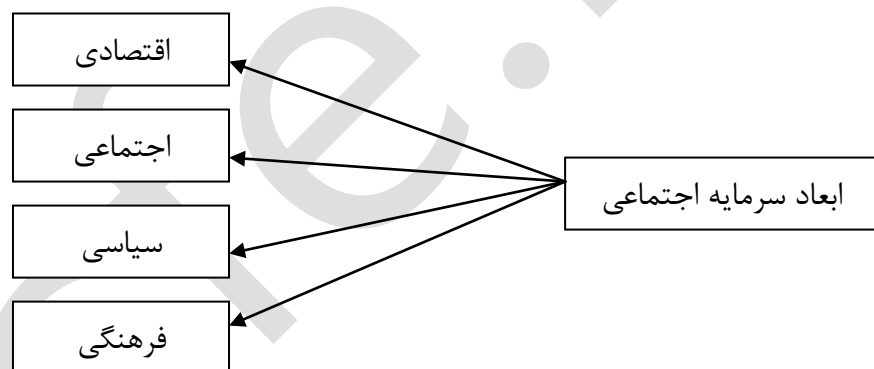
برخلاف بورديو، کلمن از واژگان مختلفی برای تعریف سرمایه اجتماعی کمک گرفت. کلمن برای تعریف سرمایه اجتماعی از نقش و کارکرد آن کمک گرفته و تعریفی کارکردی از سرمایه اجتماعی ارائه کرده و نه تعریف ماهوی. بر این اساس، سرمایه اجتماعی عبارت از: ارزش آن جنبه از ساختار

۱. Robert putnam

۲. Rose

اجتماعی که به عنوان منابعی در اختیار اعضا قرار می‌گیرد تا بتوانند به اهداف و منابع خود دست پیدا کنند. (Coleman, 1990)

سرمایه اجتماعی مفهومی است که با توجه به رویکرد مورد نظر به ابعاد مختلفی تقسیم می‌شوند و مورد بررسی قرار می‌گیرند. در یک دسته‌بندی سرمایه اجتماعی به سه بعد ساختاری، شناختی و ارتباطی تقسیم می‌شود. (Nahapeit, Ghoshal, 1998) در دسته‌بندی دیگر سرمایه اجتماعی به ابعاد دیگری تقسیم می‌شود که عبارتند از: بعد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی.



شکل شماره (۱) - ابعاد سرمایه اجتماعی

سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه در راستای ارتقاء سرمایه اجتماعی:

سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه که در راستای ارتقاء سرمایه اجتماعی می‌باشد در بعد

فرهنگی به قرار ذیل است:

۱- اعتلاء و عمق و گسترش دادن معرفت و بصیرت دینی بر پایه قرآن و مکتب اهل بیت از

طریق:

- استوار کردن ارزش‌های انقلاب اسلامی در اندیشه و عمل

- تقویت فضایل اخلاق و ایمان، روحیه ایثار و امید به آینده

- برنامه‌ریزی برای بهبود رفتارهای فردی و اجتماعی

۲- تقویت وجدان کاری و انضباط اجتماعی و روحیه کار و ابتکار، کارآفرینی، درستکاری و قناعت،

و اهتمام به ارتقاء کیفیت تولید. از طریق:

- فرهنگ سازی برای استفاده از تولیدات داخلی، افزایش تولید و صادرات کالا و خدمات

۳- زنده و نمایان نگاهداشتن اندیشه دینی و سیاسی حضرت امام خمینی (ره) و برجسته کردن

نقش آن به عنوان یک معیار اساسی در تمام سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها.

۴- تقویت وحدت و هویت ملی مبتنی بر اسلام و انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی و آگاهی

کافی درباره تاریخ ایران، فرهنگ، تمدن و هنر ایرانی اسلامی و اهتمام جدی به زبان فارسی.

۵- سالم‌سازی فضای فرهنگی، رشد آگاهی‌ها و فضایل اخلاقی و اهتمام به امر به معروف و نهی از

منکر.

۶- تلاش در جهت تبیین و استحکام مبانی مردم‌سالاری دینی و نهادینه کردن آزادی‌های مشروع

از طریق آگاهی بخشی و قانونمند کردن آن.

- در بعد سیاسی، سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه که در ارتباط با ارتقاء سرمایه اجتماعی

می‌باشد عبارتند از:

۱- گسترش و عمق بخشیدن به روحیه تعاون و مشارکت عمومی و بهره‌مند ساختن دولت از

همدلی و توانایی‌های عظیم مردم

۲- گسترش عدالت اجتماعی و تعادل‌های منطقه‌ای

۳- تقویت امنیت و اقتدار ملی با تاکید بر رشد و فناوری، مشارکت و ثبات سیاسی، ایجاد تعادل

میان مناطق مختلف کشور، وحدت و هویت ملی.

۴- تقویت و کارآمد کردن نظام بازرسی و نظارت از طریق:

- اصلاح قوانین و مقررات در جهت رفع تداخل میان وظایف نهادهای نظارتی و بازرسی.

۵- توجه ویژه به حضور و سهم نیروهای مردمی در استقرار امنیت و دفاع از کشور و انقلاب با

تقویت کمی و کیفی بسیج مستضعفین.

۶- توسعه نظم و امنیت عمومی و پیشگیری و مقابله مؤثر با جرائم و مفسدات اجتماعی و امنیتی از

طریق تقویت و هماهنگی دستگاههای قضایی، امنیتی و نظامی و توجه جدی در تخصیص منابع به

وظایف مربوط به اعمال حاکمیت دولت.

۷- تلاش برای رهایی منطقه از حضور نظامی بیگانگان

در بعد اقتصادی سیاستهایی که در جهت ارتقاء سرمایه اجتماعی در سیاست‌های کلی برنامه

چهارم توسعه ملحوظ نظر واقع شده است عبارتند از:

۱- توجه به ارزش اقتصادی، امنیتی، سیاسی و زیست محیطی آب، نگهداری و مصرف آن.

۲- مهار تورم و افزایش قدرت خرید گروههای کم درآمد و محروم و مستضعف و کاهش فاصله دهکهای بالا و پایین درآمدی جامعه و اجرای سیاستهای مناسب جبرانی.

۳- ارتقاء سطح درآمد و زندگی روستاییان و کشاورزان و رفع فقر، با تقویت زیر ساختهای مناسب تولید و تنوع بخشی و گسترش فعالیتهای مکمل به ویژه صنایع تبدیلی و کوچک و خدمات نوین، با تاکید بر اصلاح نظام قیمت گذاری محصولات.

۴- هم افزایی و گسترش فعالیتهای اقتصادی در زمینههایی که دارای مزیت نسبی هستند از جمله صنعت، معدن، تجارت، گردشگری با اولویت سرمایه گذاری در ایجاد زیر بناها و زیرساختهای مورد نیاز.

۵- تثبیت فضای اطمینان بخش برای فعالان اقتصادی و سرمایه گذاران با اتکا بر مزیت های نسبی و رقابتی و خلق مزیت های جدید و حمایت از مالکیت و کلیه حقوق ناشی از آن.

۶- ارتقاء بازار سرمایه ایران و اصلاح ساختار بانکی و بیمه ای کشور با تاکید بر کارایی، شفافیت از طریق:

- ایجاد اعتماد و حمایت از سرمایه گذاران با حفظ مسئولیت پذیری آنان.

تشویق رقابت و پیشگیری از وقوع بحران و مقابله با جرم های مالی

۷- ارتقاء ظرفیت و توانمندی های بخشی تعاونی از طریق تسهیل فرایند دستیابی به منابع،

اطلاعات، فناوری، ارتباطات و توسعه پیوندهای فنی

۸- توجه و عنایت جدی بر مشارکت عامه مردم در فعالیت‌های اقتصادی کشور

در بعد اجتماعی نیز سیاست‌های کم برنامه چهارم توسعه در راستای بهبود سرمایه اجتماعی به

قرار ذیل است:

۱- تلاش در جهت تحقق عدالت اجتماعی و ایجاد فرصت‌های برابر و ارتقاء سطح شاخص‌هایی از

قبیل آموزشی، سلامت و مبارزه با فساد و ...

۲- تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن و در صحنه‌های اجتماعی

۳- تقویت هویت ملی جوانان (سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه)

جدول شماره (۱)

سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه در راستای ارتقاء سرمایه اجتماعی	
بعد فرهنگی	- اعتلاء و عمق بخشیدن به معرفت و بصیرت دینی بر پایه قرآن و مکتب اهل بیت. تقویت وجدان کاری و انضباط اجتماعی و توجه به کیفیت تولید زنده نگاه داشتن اندیشه‌های دینی و سیاسی امام خمینی (ره) تقویت وحدت و هویت ملی براساس فرهنگ ایرانی و اسلام سالم‌سازی فضای فرهنگی از طریق امر به معروف و نهی از منکر. ترویج و گسترش مبانی مردم‌سالاری دینی و نهادینه کردن آن
بعد سیاسی	- گسترش و تعمیق روحیه تعاون و مشارکت عمومی. گسترش عدالت اجتماعی و تعادل‌های منطقه‌ای - تقویت امنیت و اقتدار ملی. تقویت و کارآمدی نظام بازرسی و نظارت. توجه به نقش نیروهای مردمی در استقرار امنیت. توسعه نظم و امنیت عمومی از طریق هماهنگی دستگاه‌های ذیربط. تلاش برای رهایی منطقه از حضور نظامی بیگانگان
بعد اقتصادی	- توجه به ارزش آب مصرفی و نگهداری از آن. مهار تورم و افزایش قدرت خرید گروه‌های کم درآمد. ارتقاء سطح زندگی و درآمد روستائیان. هم‌افزایی و گسترش فعالیت‌های اقتصادی با توجه به مزیت‌های نسبی. - تثبیت فضای اطمینان بخش برای سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی. اصلاح ساختار بانکی و بیمه‌ای و بازار سرمایه. - ارتقاء توانمندی‌های بخش‌های تعاونی. - توجه به مشارکت مردم در فعالیت‌های اقتصادی.
بعد اجتماعی	- تحقق عدالت اجتماعی و ایجاد فرصت‌های برابر برای مردم. تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن. تقویت هویت جوانان

حال با مرور اجمالی بر سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه می‌توانیم اهداف که نظام در دوره

چشم‌انداز را در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بررسی کرده و آن دسته از سیاست‌هایی

را که در جهت بهبود سرمایه اجتماعی در افق چشم‌انداز می‌باشد متذکر شویم:

در بعد فرهنگی این سیاست‌ها شامل:

۱- تقویت روحیه ایمان ما ایثار و فداکاری به عنوان عامل اصلی اقتدار ملی، تبیین مبانی ارزشی

و تقویت اعتماد به نفس ملی.

۲- ایجاد جامعه‌ای سالم، اخلاقی، مبتنی بر ارزش‌های اسلامی، فرهنگ موارد شهروندانی آگاه.

۳- رشد و اعتلای فرهنگ و هنر ایران و اسلام به عنوان عناصر هویت ملی.

۴- پیشبرد راهبرد گفت و گوی میان تمدن‌ها و فرهنگ‌ها در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی.

۵- تقویت نهاد خانواده و ارتقاء نقش و جایگاه زنان در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی،

سیاسی کشور.

۶- نهادسازی در جهت تولید و ترویج علم و تحقیق و افزایش سهم کشور در تولیدات علمی جهان

با تاکید بر رویکرد خلاقیت و نوآوری.

- در بعد اجتماعی اهداف کلی نظام در افق چشم‌انداز که در راستای ارتقای سرمایه اجتماعی

می‌باشند عبارتند از:

۱- تضمین حقوق مدنی و انسانی، دسترسی به فرصت‌های برابر برای افراد جامعه، احترام به

نهادینه شدن حقوق معنوی افراد.

۲- توسعه و تجهیز منابع انسانی آگاه و ماهر با قابلیت‌های مشارکت و فعالیت در فضای نوین

رقابتی.

۳- حاکمیت بخشیدن رویکرد و مبانی علمی و فنی، تمرکززدایی، شفاف‌سازی و پاسخگویی بر

همه سطوح و فرآیندهای تصمیم‌گیری حوزه‌های حاکمیت کشور.

۴- توجه به نیازها و ضرورت‌های جوانان و فراهم کردن شرایط مناسب برای مشارکت آنان در

فعالیت‌های اجتماعی و حمایت از استعدادهای درخشان.

۵- تقویت مبانی جامعه مدنی، مشارکت همگانی، اخلاق و روحیه کار گروهی و سازگاری

رقابت‌پذیری در کلیه روابط اجتماعی و سیاسی.

- در بعد سیاسی، اهداف کلی نظام در افق چشم‌انداز بیست ساله که در جهت بهبود و تحقق

سرمایه اجتماعی می‌باشد عبارتند از:

۱- تقویت امنیت و اقتدار ملی با تکیه بر رشد اقتصادی، مشارکت سیاسی و تعادل منطقه‌ای

۲- بهبود ساختار سیاسی، قضایی و ایجاد محیط حقوقی مناسب برای توسعه کشور.

۳- توسعه نظم و امنیت عمومی.

۴- تعمیم عدالت از طریق توسعه قضایی به منظور دستیابی آحاد جامعه به حقوق شهروندی

۵- توسعه قانون‌گرایی، تقویت انضباط اجتماعی و وجدان کاری.

همچنین در بعد اقتصادی اهداف کلی چشم‌انداز عبارتند از:

۱- ایجاد ساز و کارهای انگیزشی برای رشد بهره‌وری عوامل تولید (انرژی، سرمایه، نیروی کار و ...)

۲- تعامل فعال با جهان در تمام عرصه‌ها و هم‌پیوندی و اثربخشی در سطح اقتصاد جهانی

۳- ایجاد فضای مناسب، امن و اطمینان بخش برای فعالان اقتصادی و سرمایه‌گذاران داخلی و

خارجی با تکیه بر احترام به حقوق مالکیت دارایی‌های مادی و غیرمادی.

۴- اتکا به مزیت‌های نسبی و رقابتی و خلق مزیت‌های جدید.

۵- توانمندسازی بخش‌های خصوصی و تعاونی به عنوان محرک اصلی رشد اقتصادی.

۶- نظم و انضباط ملی و بودجه‌ای و تعادل بین منابع و مصارف دولت.

۷- ارتقاء ظرفیت و توانمندی‌های بخش تعاونی و تسهیل دستیابی آن به منابع و ...

۸- توسعه حضور بخش‌های تعاونی و خصوصی در تمام بخش‌های اقتصادی و ... (اهداف

چشم‌انداز، ۱۳۸۴)

جدول شماره (۲)

اهداف کلی چشم‌انداز ۲۰ ساله نظام در راستای ارتقاء سرمایه اجتماعی	
بعد فرهنگی	تقویت روحیه ایمان، ایثار و ... به عنوان عامل اصلی اقتدار ملی - ایجاد جامعه سالم بر مبنای ارزش‌های اسلامی رشد و اعتلای عناصر فرهنگی و هنری ایرانی و اسلامی. پیشبرد راهبرد گفت و گو میان تمدن‌ها و فرهنگ‌ها. تقویت نهاد خانواده و ارتقاء نقش زنان. نهادینه‌سازی و گسترش علم و تحقیق
بعد اجتماعی	تضمین حقوق مدنی و انسانی. و توسعه نیروی انسانی آگاه و ماهر. حاکمیت بخشیدن رویکرد علمی، تمرکززدایی و ... - توجه به جوانان و نیازها و ضرورت‌های آنان. تقویت مبانی جامعه مدنی - مشارکت و ...
بعد سیاسی	- تقویت امنیت و اقتدار ملی بهبود ساختار سیاسی، قضایی و ... - توسعه نظم و امنیت عمومی. تعمیم عدالت از طریق توسعه قضایی. توسعه قانونگرایی، وجدان کاری و ...
بعد اقتصادی	- ایجاد ساز و کارهای انگیزش - تعامل فعال با جهانیان - ایجاد فضای مناسب برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی - توجه به مزیت‌های نسبی - توانمندسازی بخش‌های خصوصی و تعاونی - نظم و انضباط مالی و بودجه‌ای - ارتقاء ظرفیت‌های بخش تعاونی - توسعه حضور بخش تعاون در تمام بخش‌های اقتصادی

اجزاء سرمایه اجتماعی (مولفه‌ها):

با توجه به اینکه سرمایه اجتماعی از ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مورد

بررسی قرار گرفته است حال در اینجا لازم است تا مولفه‌ها و اجزاء مربوط به هر یک از ابعاد نیز

شناسایی شود تا در نتیجه بتوانیم ارتباط بین مولفه‌ها و سیاست‌های کلی در افق چشم‌انداز نیز بررسی

قرار گرفته است حال در اینجا لازم است تا مولفه‌ها و اجزاء مربوط به هر یک از ابعاد نیز شناسایی

شود تا در نتیجه بتوانیم ارتباط بین مولفه‌ها و سیاست‌های کلی در افق چشم‌انداز نیز بررسی کنیم.

از سوی دیگر برای برنامه‌ریزی جهت تحقق اهداف چشم‌انداز، ضرورت پرداختن به مولفه‌های

سرمایه اجتماعی آشکار می‌گردد.

چهار بعد مطرح در سرمایه اجتماعی بعد اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی می‌باشد که

دارای مولفه‌های خاص خود است این مولفه‌ها عبارتند:

- مولفه‌های بعد اجتماعی: اعتماد، روابط متقابل، مشارکت، آگاهی عمومی، اخلاقیات و مسئولیت

اجتماعی

- مولفه‌های فرهنگی: مقررات رفتاری، نرم‌ها و هنجارها، ارزش‌ها، دین و ایدئولوژی، نمادها، مثل‌ها

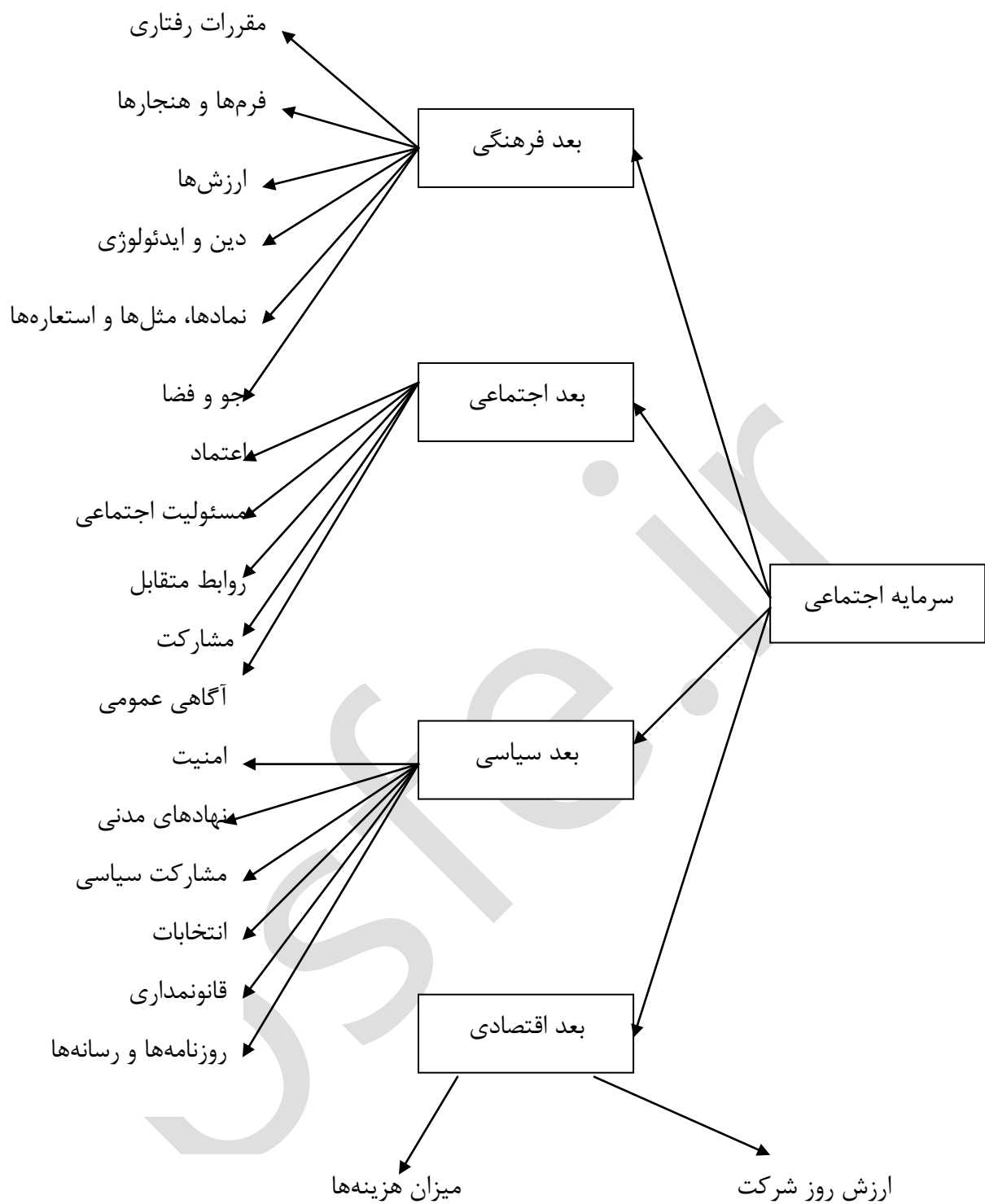
و استعاره‌ها، جو و فضا.

- مولفه‌های بعد سیاسی، امنیت، نهادهای عمومی و مدنی، مشارکت سیاسی، انتخابات،

قانون‌مداری، روزنامه‌ها و رسانه‌ها.

- مولفه‌های بعد اقتصادی: ارزش روز شرکت، میزان صرفه‌جویی در هزینه‌ها (کاووسی، ۱۳۸۵: ۶۷)

در نمودار شماره (۲) سرمایه اجتماعی، ابعاد و مولفه‌های آن به شرح ذیل است.



شکل شماره (۲)، ابعاد، مولفه‌های سرمایه اجتماعی

مأخذ: پایان نامه دکتری، اسماعیل کاووسی، واحد علوم و تحقیقات تهران

برنامه‌ریزی برای بهبود سرمایه اجتماعی در راستای تحقق اهداف چشم‌انداز:

برای حصول به این مهم، ابتدا باید سطوح سرمایه اجتماعی در جامعه مورد بررسی قرار گیرد... بعد

از آنکه سطح تحلیل مشخص شد، برنامه‌ریزی و تعیین گام‌های اجرایی در خصوص سطح مورد تحلیل

ضروری می‌گردد.

سطوح سرمایه اجتماعی:

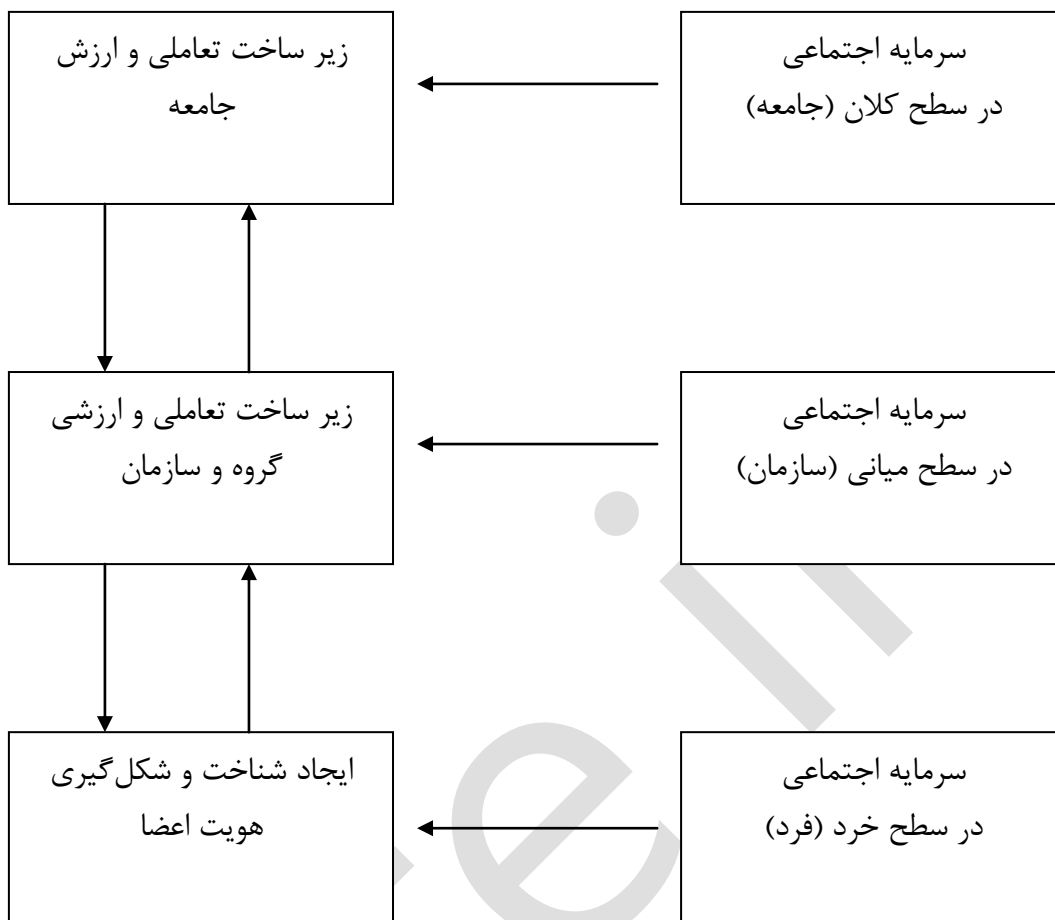
سرمایه اجتماعی را می‌توان در سه سطح مورد بررسی قرار داد:

۱- سرمایه اجتماعی در سطح کلان (جامعه)

۲- سرمایه اجتماعی در سطح میانی (سازمان)

۳- سرمایه اجتماعی در سطح خرد (فرد)

نحوه ارتباط سرمایه اجتماعی در سطوح مختلف به قرار ذیل است:



شکل شماره (۳) نحوه ارتباط سرمایه اجتماعی در سطوح مختلف (مدل CRLRA)

مأخذ: (فصلنامه مطالعات مدیریت، شماره ۳۳ و ۳۴، ص ۱۶)

مدل CRLRA مبتنی بر تئوری منابع اجتماعی است براساس این مدل سرمایه اجتماعی شامل

منابعی است که موجب افزایش جامعه / سازمان می شود.

در سطح فردی، این منابع شامل شناخت و هویت است. منظور از منابع شناخت و دانش، دانستن

منبع اطلاعات و شیوه های انجام کار و یا بر طرف نمودن مشکلات پیش آمده در شبکه می باشد.

هویت اعضا، اشاره به هنجارها و ارزش‌ها دارد به عبارتی منبع هویت به این که افراد تا چه اندازه دارای ارزش‌ها و بینش‌های مشترک بود و قادر به کار با دیگران هستند تمرکز دارد. این منابع شناخت و هویت در سطح اجتماع و سازمان با هم تلفیق شده و منبعی از سرمایه اجتماعی برای آن سازمان / اجتماع پدید می‌آورند که در سطح میانی به زیر ساخت‌های ارزشی و تعاملی سازمان مربوط و در سطح کلان به زیرساخت‌های مراددهای و ارتباطی اجتماعی ختم می‌شود. (Kilpatrick&Falk, 2001)

به نظر می‌رسد بعد از تحلیل سرمایه اجتماعی در سطوح مختلف آنچه ضرورت می‌یابد پرداختن به برنامه‌ریزی و ارائه راهکارهای منطقی جهت تحقق اهداف سند چشم‌انداز در افق زمانی مشخص می‌باشد یکی از عناصر سرمایه اجتماعی پدیده مشارکت می‌باشد که در سند چشم‌انداز هم منظور گردیده است.

از دیدگاه «آلن بیرو»: «مشارکت کردن به معنای سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن و یا در گروهی شرکت جستن و بنابراین با آن همکاری داشتن است». به همین جهت از دیدگاه جامعه - شناسی باید بین مشارکت به عنوان حالت یا وضع (امر مشارکت کردن) و مشارکت به عنوان عمل و تعهد (عمل مشارکت) تمیز قائل شد. مشارکت در معنای اول از تعلق به گروهی خاص و داشتن سهمی در هستی آن خبر می‌دهد و در معنای دوم داشتن شرکتی فعالانه در گروه را می‌رساند و به

فعالیت اجتماعی انجام شده نظر دارد. (بیرو، ۱۳۶۶: ۲۵۷)

عوامل تأثیرگذار بر ایجاد زمینه برای رسیدن به مشارکت:

عوامل متعددی در سازمان و جامعه وجود دارد که به صورت منسجم و یکپارچه شرایط را برای اداره مستبدانه امور فراهم می‌آورد و انجام تلاشها و کوششهای ضعیف و بدون پشتوانه برای انجام مشارکتهای موقتی در این بافت نظام یافته و منسجم قطعاً محکوم به شکست می‌باشد.

چنانچه بخواهیم در این محیط شیوه‌ای مشارکتی را به اجرا بگذاریم و موفق شویم بایستی اجزاء عناصر و عوامل محیط مورد نظر را شناسایی کنیم و همه آنها را به صورت توأم و با یک برنامه تدوین شده تحت مدیریت استراتژیک در جهت برقراری شیوه‌ای مشارکتی دگرگون سازیم. این اجزاء و عناصر در بافت محیطی مذکور متعددند ولی آنچه عمومیت دارد و تقریباً همگان بر آن توافق دارند عناصر مطرح شده ذیل می‌باشند.

ارزش‌ها: ارزش‌ها اغلب ناظر و نامرئی هستند که بیش از سایر عوامل تعیین کننده ماهیت اداره کردن هستند.

ساختارها: بیان‌گر فلسفه ما از شیوه اداره کردن هستند و طبعاً ساختارهای بسته مجالی برای اداره مشارکتی فراهم نمی‌آورند.

فرآیندهای مدیریتی: راهبردها، برنامه‌ها، بودجه‌ها، اهداف و تصمیمات و بازخوردهای منطبق بر شیوه‌های فردی، زمینه هرگونه مشارکت را از بین خواهد برد.

اطلاعات: دسترسی به اطلاعات و تجزیه و تحلیل آنها در صورتی که در انحصار مقامات بالا نباشد،

زمینه مناسب را برای مشارکت فراهم می‌سازد.

شایستگی‌ها: سیستم مشارکتی همه افراد و شایستگی‌های آنها را ملاک قرار می‌دهد.

انگیزش: اگر به انگیزش افراد توجه شود انگیزش مادی و معنوی مشوق کار گروهی بوده می‌تواند

مشارکت را تقویت نماید. (رشیدپور، ۱۳۸۵: ۲۳۳)

مناسبات: نوع روابط سلسله مراتبی قطعاً مانع مشارکت خواهند بود، مشارکت نیازمند شیوه نوین

ارتباط و تعاملات می‌باشد.

اعتمادسازی:

به زعم «مارچ والس»^۱ ایده محوری اعتماد این است که اعتماد بر نوعی انتظار استوار است.

بنابراین اعتماد را می‌توان نوعی انتظار نتایج مثبت دانست که یک طرف می‌تواند بر مبنای اقدام

مورد انتظار طرف دیگر، در یک تعامل که مشخصه اصلی آن عدم اطمینان است، دریافت نماید.

این تعریف، تعریف کامل است زیرا:

۱- در محیطی که عدم اطمینان وجود دارد، شکل می‌گیرد.

۲- بیانگر نوعی انتظار است که امکان تخطی از آن وجود دارد.

۳- میزانی از اعتماد به طور مستقیم به میزانی از انتظارات پیوند می‌خورد.

۱ . March & Olsen

۴- مستلزم دو یا چند طرف است.

۵- به نتایج مطلوب مرتبط می‌شود، نه نتایج منفی.

براین اساس وقتی سخن از اعتماد به میان می‌آید بدین معنی است که عامه مردم انتظار دارند مقامات و کارکنان سازمان‌های دولتی با اقدامات خود در تعامل با عامه که در این تعامل نوعی عدم اطمینان و عدم شناخت از نحوه انجام کار در امور سازمان‌های دولتی وجود دارد به انتظارات آنها پاسخ دهند. به عبارت دیگر، اعتماد عمومی یعنی انتظار عموم از دریافت مثبت پاسخ به خواسته‌هایشان از طرف متولیان امور عمومی است. لذا اعتماد به عنوان مبنایی برای نظم اجتماعی در رشته‌ها و سطوح تحلیلی مختلف راه یافته است. (الوانی، دانایی‌فر، ۱۳۸۰: ۵-۲۷)

اگر فرد صریح و شفاف باشد و صداقت به خرج دهد، اعتماد و اطمینان دیگران را به خود جلب خواهد کرد. بنابراین افراد را باید آگاه ساخت، تصمیمات را توجیه کرد و درباره مسائل صداقت به خرج داد. (رابینز، ۱۳۸۳: ۹-۱۸۵) اعتماد به عملکرد دولت منجر به اثربخشی می‌شود، زیرا تبادل اطلاعات مرتبط و مناسب بین شهروندان و سازمان‌ها را تشویق می‌کند، اعتماد ارزش‌های دموکراتیک را پرورش می‌دهد و نقش انکارناپذیری در تحقق اثربخشی کلان سازمانی ایفاء می‌کند و عامل مهمی در کارایی و اثربخشی گروه‌های اجتماعی است. (گلمبیوسکی، ۱۹۹۳: ۸۹)

یکی دیگر از مولفه‌های سرمایه اجتماعی مسئولیت‌پذیری می‌باشد داشتن احساس مسئولیت در مقابل حکومت، جامعه و مسئولیت فردی و دوراندیش از عواملی است که مجموعاً فرد را در سازمان به

تصمیم‌گیری اخلاقی قادر می‌سازد. لازم به ذکر است که بین اخلاق مدیریت، پاسخگویی اجتماعی و تعهد اجتماعی با مسئولیت اجتماعی تفاوت وجود دارد. در این خصوص «اندرسن» در کتاب خود چنین می‌گوید: هر دو اصطلاح اخلاق مدیریت و مسئولیت اجتماعی در رابطه با رعایت ارزشها و هنجارها و اصول اخلاقی جامعه و تامین هدفهای سازمان از سوی مدیران هستند با این تفاوت که مسئولیت اجتماعی در ارتباط با مسائل کلان سازمان و اخلاق در ارتباط با رفتار فردی مدیران و کارکنان است. (اصفهانی، ۱۳۸۵: ۴۱) بنابراین احساس تعهد و مسئولیت مدیران و رهبران سازمانها در قبال کارکنان و سپس در سطح وسیعتر در قبال جامعه و شهروندان می‌تواند سرمایه اجتماعی را بهبود بخشد.

مقوله امنیت و ایجاد آن نیز در بهبود سرمایه اجتماعی مؤثر است مبنای اصلی «امنیت» ایجاد «رضایت‌مندی» و کسب اعتماد مردم است براین اساس ما شاهد آن هستیم که مطالعات و برنامه‌های امنیتی در سال‌های پایانی قرن بیستم متوجه مقولاتی چون «سرمایه اجتماعی» است و حتی معادلات و توانمندی‌های نظامی و فن‌آوری را در همین چارچوب فهم و تجزیه و تحلیل می‌نمایند نتیجه آنکه دولت‌ها افزون بر سیاست‌هایشان در حوزه توانمندی نظامی، اقتصادی و فنی لازم است تا به افزایش میزان سرمایه اجتماعی‌شان همت گمارند تا بتوانند در تأمین امنیت داخلی و ملی‌شان توفیق یابند به عبارت دیگر تأمین امنیت، بدون داشتن اعتماد قابل توجه در حوزه اجتماعی میسر نبوده و یا حداقل بسیار دشوار خواهد بود. (افتخاری، ۱۳۸۴: ۳)

نتیجه‌گیری:

امروزه سازمانها از شالوده‌های اصلی اجتماع کنونی هستند و مدیریت، مهم‌ترین عامل در حیات، رشد و بالندگی یا نابودی سازمان‌هاست.

آنچه از مطالعه ادبیات توسعه بدست می‌آید، تاکید بر تفکر استراتژیک با نگاه به آینده در یک افق زمانی بلندمدت در تمام عرصه‌هاست و سند چشم‌انداز بیست ساله نیز دقیقاً در همین راستا تدوین گردیده است. همانطور که ملاحظه می‌شود بخش عمده‌ای از پیام‌های اهداف چشم‌انداز در راستای ارتقاء و بهبود سرمایه اجتماعی است.

در جهان کنونی صاحب‌نظران علم مدیریت به این نتیجه رسیده‌اند که سرمایه اجتماعی نقشی بسیار مهم‌تر از سرمایه فیزیکی و انسانی در سازمان‌ها و جوامع ایفا می‌نماید.

بنابراین با توجه به اهمیت نقش سرمایه اجتماعی در توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، به نظر می‌رسد اگر چه در سند چشم‌انداز به ابعاد چهارگانه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی سرمایه اجتماعی توجه لازم صورت پذیرفته است، ولیکن تحقق سایر اهداف کلی چشم‌انداز نیز منوط به وجود سرمایه اجتماعی بوده و بدون سرمایه اجتماعی، سایر اهداف نیز تحقق نخواهد یافت.

منابع:

۱. اصفهانی، مینا، پایان نامه تحصیلی، بررسی نقش مدیران فرهنگی در حفظ و ارتقاء سرمایه اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۵.
 ۲. افتخاری، اصغر، نبود سرمایه اجتماعی و تاثیر آن، گفتگو با اندیشه صادق، ۱۳۸۴.
 ۳. بیرو، آلن، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقری روخانی، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۶۶.
 ۴. پاتنام، رابرت، دموکراسی و سنتهای مدنی، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور، چاپ اول، ۱۳۸۰.
 ۵. رابینز، استیفن، «مبانی رفتار سازمانی، ترجمه محمدپارساییان و علی اعرابی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۳.
 ۶. رشیدپور، علی، فرهنگ پدیده مشارکت، مدیریت فرهنگی، تهران: مه آسا، ۱۳۸۵.
 ۷. فصلنامه مطالعات مدیریت، شماره ۳۳ و ۳۴.
 ۸. کاوسی، اسماعیل و عباسی طلوعی، ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی، تهران، پژوهشنامه سرمایه اجتماعی ۲، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام. ۱۳۸۵.
- <http://www.Science direct.com>, October, 2002
۹. کاووسی، اسماعیل، پایان نامه تحصیلی، دکتری، طراحی و ارائه الگوی اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۵.

10. Rosa, Dina A. clear, Todd R., 1998 "Incarceration, Social capital and crime: Implications for social Disorganization Theory"
Criminology: Beverly Hills: vol, 36, Iss. 3 pdf (pg.441-479)
<http://www.aifs.org.au>
11. winter, in (2000) "Towards a Theorised understanding of family Life and Social capital"
12. Coleman, J.s.(1990). "Foundations of socil Theory". Combridge. MA: Harvard university press. Belknap press.
13. Nahapiet. J. and choshal .s. (1998). "Social capital, intellectual capital and the organizational Advantage". Academy of management Rewiew. 23(2)
14. <http://www.iiu.ac.ir/persian/pages/ch.html>
15. Kilpatrick.Falk.In (2001). Benefits for All: How Learning in Agriculture can Build Social in Island communities". University of Tasmania, . . .
16. Golembiewski, R.T. & M.L.Mccokie (1993): "Thecentrality of Inter personal Trust inGroup Process" New York wiley.